

عنوان مقاله:

هرمنوتیک و فهم معرفت تاریخی

محل انتشار:

فصلنامه اندیشه دینی، دوره 10، شماره 37 (سال: 1389)

تعداد صفحات اصل مقاله: 44

نویسنده:

سید ابوالفضل رضوی - استادیار دانشگاه لرستان

خلاصه مقاله:

ماهیت و اهمیت تفسیر در تاریخ، امری که پژوهش‌های مختلف تاریخی را از هم متمایز کرده و جنبه‌های نسبی و سیال بودن دانش تاریخ را نشان می‌دهد، مبحث مهمی است که مورخان را در فهم بیشتر موضوعات تاریخی و مهم‌تر از آن، در فهم بستر فرآیندی آن یا همانا ساختار متداوم جوامع انسانی، کمک شایان توجه می‌کند، به شرط این که فرایند درک و ضبط داده‌های تاریخی و به اصطلاح مقوله‌ی «فاکتولوژی» در پژوهش‌های تاریخی، با رعایت شروط علمی، برای تمامی پژوهش‌گران عرصه‌ی تاریخ یک معنا داشته باشد و بتوان حدود و ثغوری منطقی در جمع‌آوری داده‌های موثق تاریخی قایل شد؛ بحث مهمی که تاریخ را از ماهیت آنتولوژیک (نظری) و داده‌های محض مربوط به یک افق گفتمانی خاص خارج می‌کند و برخورداری آن را از دانشی در خدمت انسان و جامعه، ممکن می‌سازد، تفسیر و چگونگی این تفسیر در قالب گفتمانی بوم - زیست محقق است. بدون تردید، هم چنان که گردآوری و تنقیذ داده‌های تاریخی، راه‌کار و رهیافت‌های خاص خود را دارد، فرایند فهم و چگونگی درک و تفسیر داده‌های قابل وثوق نیز رهیافت‌های خاصی می‌طلبد. اگر فرایند فهم و تفسیر داده‌های تاریخی را با دانشی دیرپا و علم نوظهوری که با عنوان «هرمنوتیک» از آن یاد می‌شود یکی بگیریم، این مقاله در پی آن است که با بررسی لفظ و معنا و سیر تاریخی دانش هرمنوتیک، ارتباط متقابل هرمنوتیک و علم تاریخ و چگونگی رهیافت‌های هرمنوتیکی در تاریخ را با تکیه بر آرای مشهورترین اندیشمندان هرمنوتیک مورد بحث قرار دهد و تاثیر آن را در معرفت تاریخی به عنوان علم شناخت و تحلیل کنش‌های جمعی انسان، بررسی کند.

کلمات کلیدی:

۱- هرمنوتیک ۲- علم تاریخ ۳- تاریخ‌گرایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1605493>

